

تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای وضعیت علمی ایران و مالزی به منظور شکل‌گیری همکاری علمی دوجانبه در حوزه مدیریت اسلامی؛ در جست‌وجوی همگرایی اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۳/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۹/۲۳

مصباح‌الهدی باقری*

محمدامین پهلوان شریف**

چکیده

یکی از مناقشه‌برانگیزترین موضوعات در چند دهه اخیر، پدیده جهانی شدن و مسائل ناشی از آن است که به باور بسیاری از صاحب‌نظران، مسائل جدی‌ای فراروی کشورهای مستقل ایجاد می‌کند. به باور عده‌ای، همکاری‌های چندجانبه و یکپارچه‌سازی، راهکاری است که می‌تواند آن‌ها را آماده ورود به فضای جهانی کند. به رغم اهمیت موضوع فوق، ضعف جدی‌ای در کشورهای اسلامی در این خصوص مشاهده می‌شود. هدف پژوهش حاضر، در گام اول، یافتن راهکاری برای ایجاد و گسترش همکاری‌ها در میان کشورهای اسلامی و در گام دوم، بهبود وضعیت علمی دوجانبه و سودآوری اقتصادی است. ایده اصلی آن است که با توجه به فرایند شکل‌گیری همگرایی، باید از طرق مختلف در جهت شکل‌گیری همکاری‌های چندجانبه تلاش کرد. به همین دلیل، موضوع همکاری علمی در حوزه مدیریت اسلامی، به عنوان آغازی بر همکاری‌های دوجانبه، انتخاب شده و این موضوع بین دو کشور اسلامی ایران و مالزی بررسی می‌شود. سؤال اصلی تحقیق آن است که «این دو کشور چه ظرفیت‌هایی برای همکاری علمی در زمینه مدیریت اسلامی دارند؟». در این پژوهش از مصاحبه کیفی با خبرگان و نظریه داده‌بنیاد استفاده شده است. نتیجه پژوهش، وجود پتانسیل لازم و قوت‌های متقابل برای همکاری بین دو کشور در حوزه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است.

واژگان کلیدی

جهانی شدن، سازمان همکاری اسلامی، همگرایی، همکاری علمی بین‌المللی، ایران، مالزی، مدیریت اسلامی

* استادیار گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)

bagheri@isu.ac.ir

** دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، نویسنده

a.sharif@ut.ac.ir

مستول

مقدمه

جهان، از مرحله جدال ملت‌ها در روابط تجاری در حال گذار به مبادلات همه‌جانبه و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی است و نگاهی گذرا به پیرامون، مبین همکاری و تعامل بسیاری از دولت‌ها و ملت‌ها است.

امروزه، سرعت تحولات جهانی به حدی است که کمتر کسی می‌تواند تحولات آینده را پیش‌بینی کند. پدیده جهانی شدن، یکی از موضوعاتی است که مدتی در محافل مختلف از آن سخن گفته می‌شود و به زعم برخی، یکی از مناقشه‌برانگیزترین موضوعات در روابط بین‌الملل بوده است (رمضان‌زاده و مسعودی، ۱۳۸۸).

پدیده «جهانی شدن»^۱، حرکتی پویا و دامنه‌دار است و به فرایندی اشاره می‌کند که طی آن، مرزهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، رفته رفته، کم‌رنگ می‌شود و هم‌زمان، مبادلات بین‌الملل افزایش می‌یابد. در این حالت، فرهنگ‌ها، ادیان، اقتصاد و علوم، دیگر در انحصار و محدودیت حاصل از مرزبندی‌های جغرافیایی قرار ندارد (ملک‌زاده، ۱۳۸۱). جهانی شدن، ضمن بین‌المللی کردن بازارهای جهانی، محیطی رقابتی را ایجاد می‌کند که در آن، فقط واحدهای اقتصادی قدرتمند و کارآمد، امکان بقا خواهند داشت. از این رو، در دهه‌های اخیر، دولت‌ها به یکپارچه‌سازی‌های گوناگون، متأثر از اشتراکات اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی و ایدئولوژیکی روی آورده‌اند (مهدوی و مجد رضایی، ۱۳۸۸). در این میان، کشورهای اسلامی^۳ که ۵۷ کشورند و اکثراً در قاره‌های آسیا و آفریقا پراکنده هستند علی‌رغم برخورداری از معیارهای بالقوه قدرت اقتصادی مثل جمعیت، وسعت، منابع، انرژی ارزان و قدرت چانه‌زنی در مذاکرات بین‌الملل، سهم کمی در تجارت، و تطبیق ساختاری و انعطاف‌پذیری کمتری در برابر مسائل جهانی شدن دارند (حسن‌پور و بهروزی‌فر، ۱۳۸۶). این موضوع هنگامی مهم‌تر می‌شود که بدانیم اکثر این کشورها جزء کشورهای در حال توسعه‌اند که نیازی جدی به حمایت برای ورود به بازارهای جهانی دارند.

این موضوع با وجود ارزش‌هایی مانند ضرورت وحدت میان مسلمانان، اهمیت دو چندانی می‌یابد. هدف اصلی این تحقیق، یافتن راهی برای ایجاد و گسترش همکاری‌ها در میان کشورهای اسلامی در جهت رسیدن به همگرایی است. به همین منظور به

همکاری علمی به مثابه موضوعی برای ورود به این حوزه پرداخته شده است. بهبود وضعیت علمی دوجانبه نیز هدف دیگری است که در مرتبه دوم اهمیت قرار دارد. برای این منظور، کشور مالزی، طرف همکاری ایران در زمینه مدیریت اسلامی انتخاب شد. این کشور علاوه بر اینکه مشابهات بسیاری با ایران دارد در زمینه مباحث مالی اسلامی و برخی موضوعات مدیریت اسلامی، پیشرو است. مالزی، هم اکنون کشوری پیشرو در زمینه بازارهای مالی اسلامی شناخته می‌شود؛ لذا به نظر می‌رسد بتواند همکار خوبی برای ایران باشد.

برای رسیدن به اهداف فوق با توجه به لزوم انتفاع طرفین برای شکل‌گیری همکاری، باید به این سؤال پاسخ دهیم که آیا در میان ایران و مالزی، پتانسیل لازم برای شروع این همکاری وجود دارد؟ بدین منظور، وضعیت علمی دو کشور ایران و مالزی را در حوزه مدیریت اسلامی به عنوان نمونه‌ای برای همکاری‌های علمی، مقایسه می‌کنیم. در واقع، ایده پژوهشگران آن است که با شروع همکاری در حوزه‌های کوچک می‌توان امیدوار بود که راه برای ایجاد همکاری‌های بزرگ‌تر در حوزه‌های دیگر، هموار شود؛ یعنی حرکتی از همکاری در سطح خرد به همگرایی در سطح کلان.

در این تحقیق به دلیل محدودیت در به دست آوردن اطلاعات مستند و مرتبط در ایران و مالزی در حوزه مورد بررسی، برای کشف پاسخ به پرسش تحقیق، از راهبرد پژوهشی نظریه داده‌بنیاد استفاده شد؛ همچنین محقق برای به دست آوردن داده‌های خود از روش مصاحبه کیفی بهره برد. با توجه به کیفی و اکتشافی بودن، فرضیه‌ای وجود ندارد و نتایج، با استفاده از رویکرد استقرایی به دست خواهد آمد.

۱. پیشینه پژوهش

در ابتدای این بخش به صورت مختصر به جهانی شدن و پیمان‌های منطقه‌ای اشاره خواهیم کرد؛ در ادامه، فعالیت کشورهای اسلامی را به منظور ایجاد همگرایی بررسی می‌کنیم و سازمان همکاری اسلامی را به عنوان بزرگ‌ترین تلاش دولت‌های اسلامی واکاوی خواهیم نمود؛ در نهایت نیز موضوع همکاری علمی به عنوان رویکرد منتخب، معرفی می‌شود و فعالیت این کشورها را در زمینه همکاری علمی بررسی خواهیم کرد.

۱-۱. جهانی شدن و همکاری‌های چندجانبه

جهانی شدن، واژه‌ای است که در قرن اخیر بدان توجه بسیاری شده است. اغلب، جهانی شدن را فرایندی در نظر می‌گیرند که باعث گسترده شدن مرزها و بازارهای جهانی می‌شود. این فرایند ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را در برمی‌گیرد که بُعد غالب آن، جهانی شدن اقتصاد است. بر خلاف استفاده گسترده از این مفهوم، هیچ گونه اتفاق نظری درباره تعریف دقیق آن وجود ندارد. برخی، آن را پدیده‌ای سیاسی در نظر می‌گیرند ولی عده‌ای دیگر، آن را در چارچوب موضوعات اقتصادی و فرهنگی تعریف کرده‌اند (حسن‌پور و بهروزی‌فر، ۱۳۸۶). جهانی شدن در قلمرو علم و دانش نیز با سرعت شگرفی رو به تکامل می‌رود و در دنیای امروز، هیچ اکتشاف و پیشرفتی در زمینه علمی صورت نمی‌گیرد مگر آنکه این پدیده در سطحی وسیع و با همکاری مراکز متعدد با پتانسیل‌ها و توانایی‌های مختلف انجام پذیرد (ملک‌زاده، ۱۳۸۱).

ائتلاف‌های منطقه‌ای می‌تواند باعث تقویت تجارت بین کشورهای عضو و همچنین تقویت ساختارهای اقتصادی و تجاری آن‌ها بشود و آن‌ها را برای ورود به بازارهای جهانی آماده نماید. اهمیت موضوع همکاری‌های چندجانبه در کنار تجارت جهانی کاملاً پذیرفته شده است به گونه‌ای که در دو دهه اخیر، شکل‌گیری توافقات تجاری منطقه‌ای^۴ و چندجانبه‌گرایی، بیش از هر زمان دیگری در اقتصاد جهانی، شتاب داشته است. هم اکنون، اکثر کشورهای دنیا عضو یک یا چند ترتیب منطقه‌ای^۵ از قبیل تجارت آزاد^۶، اتحادیه‌های گمرکی^۷ و یا دیگر ترتیبات ترجیحی^۸ هستند. شبکه ترتیبات منطقه‌ای تجاری در دنیا به سبب تعدد و تکثر آن‌ها، بسیار پیچیده است و بسیاری از کشورها، هم‌زمان، عضو تعداد زیادی از این موافقت‌نامه‌ها هستند (ثاقب و زاهدطلبان، ۱۳۸۵). همچنین، تقریباً همه اعضای سازمان جهانی تجارت، عضویت خود را در یک یا چند موافقت‌نامه اعلام کرده‌اند. بر اساس آمار دبیرخانه سازمان جهانی تجارت، ۲۸ اتحادیه منطقه‌ای در جهان فعالیت می‌کنند که در مجموع، بیش از ۲۰۰ کشور در آن‌ها عضو هستند (عابدین مقانکی و کمالی اردکانی، ۱۳۸۴).

در این میان، سهم کشورهای در حال توسعه، بسیار کمتر از کشورهای توسعه یافته است؛ همچنین، بر اساس شواهد یک پژوهش، جریان تجاری درون منطقه‌ای غرب آسیا و شمال آفریقا از آنچه توان بالقوه این منطقه است بسیار کمتر است (عابدین مقانکی و کمالی اردکانی، ۱۳۸۴). البته کشورهای اسلامی نیز اقدام به تشکیل یکپارچه‌سازی‌های گوناگونی نظیر سازمان همکاری اسلامی^۹، شورای همکاری خلیج فارس^{۱۰} و سازمان همکاری‌های اقتصادی^{۱۱} کرده‌اند که میزان موفقیت آن‌ها باید بررسی شود.

۲-۱. بررسی تلاش‌ها در زمینه همکاری در میان کشورهای اسلامی

تلاش‌های مختلفی میان کشورهای اسلامی در جهت نزدیکی و همگرایی و افزایش همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه شده است که می‌توان آن‌ها را در زمینه‌های سیاسی، تجاری، علمی و مذهبی یافت. برجسته‌ترین همکاری سیاسی میان کشورهای اسلامی، تشکیل سازمانی بین‌المللی به منظور حمایت از فلسطین است که سازمان کنفرانس اسلامی نام گرفت^{۱۲}.

سازمان کنفرانس اسلامی، یکی از مهم‌ترین نهادهای بین‌المللی، بر مبنای قرابت‌های فرهنگی و دینی کشورهای اسلامی قبل از بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی مشابه، کار خود را آغاز کرده است که از لحاظ اعضا، یکی از بزرگ‌ترین تشکلهای سیاسی جهان به شمار می‌رود (حسن‌پور و بهروزی‌فر، ۱۳۸۶). هدف این سازمان، جایگزین کردن وحدت و همبستگی به جای تفرقه و اختلاف بود که بدان در منشور آن، به صراحت اشاره شده است. در این منشور، ضمن برشمردن اهداف سازمان کنفرانس اسلامی بر تعابیری نظیر گسترش «همبستگی کشورهای اسلامی»، «تفاهم» و «همکاری» تأکید شده است (سیف‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۷).

این سازمان در ابتدا با اهداف سیاسی شروع به کار کرد؛ اما در ادامه، فعالیت‌های مختلف دیگری را در دستور کار خود قرار داد. پس از مدتی مشخص شد که همکاری سیاسی بدون زمینه‌های هماهنگی و همگامی در مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی تقریباً ناممکن است؛ بنابراین، فعالیت‌های سازمان در این زمینه‌ها افزایش یافت که می‌توان برخی از این مسائل را در موضوع تلاش در جهت تشکیل بازار مشترک

اسلامی، تقریب مذاهب اسلامی و همکاری‌های علمی-فناورانه مشاهده کرد (ممدوحی، ۱۳۷۵، صص ۱۷-۲۳ و فاضل، ۱۳۸۵، صص ۲۱-۲۳).

۳-۱. همکاری‌های فناورانه بین کشورهای اسلامی

همکاری‌های علمی، علاوه بر اینکه می‌تواند برای غلبه بر مشکلات مشترک میان کشورها مد نظر قرار گیرد و موجب کاهش هزینه و استفاده از ظرفیت‌های علمی کشورهای همکار شود (ولایتی و نوروزی، ۱۳۸۷)، می‌تواند به مثابه روش مناسبی برای همکاری میان کشورها استفاده شود. این روش می‌تواند به دور از تأثیر و تأثرهای سیاسی و بدون نیاز به هماهنگی میان دولت‌های کشورهای طرف همکاری، محقق شود.^{۱۳} همکاری علمی می‌تواند در سطح خرد یا کلان و در قالب همکاری دولتی یا خصوصی محقق شود. همچنین، مؤسسات علمی-پژوهشی، دانشگاه‌ها، پارک‌های علم و فناوری و ... قادر به برقراری همکاری با یکدیگر هستند. گسترش این نوع از همکاری‌های علمی می‌تواند به صلح و ثبات منطقه نیز کمک کند (ولایتی و نوروزی، ۱۳۸۷). با توجه به نیاز کشورهای اسلامی جهت ایجاد بنیاد علمی قوی برای مقابله با مشکلاتی نظیر تغذیه، مسکن، سوخت، انرژی، بهداشت، جمعیت، بهره‌برداری از معادن، توسعه کشاورزی و صنایع، سومین کنفرانس سران کشورهای اسلامی به تشکیل سه کمیته دائمی علمی با عناوین کمیته دائمی همکاری‌های علمی و فناوری^{۱۴} پرداخته است که کشورهای اسلامی را به ادغام نیروهای علمی و مالی دعوت کنند (ممدوحی، ۱۳۷۵، صص ۵۸-۶۵). علاوه بر کامستک^{۱۵}، مؤسسات و مراکز دیگری نیز در جهت همکاری‌های علمی-فناورانه بین کشورهای اسلامی تأسیس شدند که عبارت‌اند از: سازمان علمی-فرهنگی کشورهای اسلامی^{۱۶}، مرکز اسلامی تحقیق و آموزش فنی و حرفه‌ای، مؤسسه فعال‌سازی تحقیقات در کشورهای اسلامی، شبکه سیستم اطلاعات سازمان همکاری اسلامی، فدراسیون اسلامی مراکز تحقیقاتی، فرهنگستان اسلامی علوم، بنیاد اسلامی علوم-فناوری و توسعه، مرکز آموزش و تحقیق اجتماعی-اقتصادی-آماري کشورهای اسلامی و سازمان آموزش علمی.

همان‌طور که اشاره شد کشورهای اسلامی برای رسیدن به آرمان وحدت و همگرایی، فعالیت‌های مختلفی را انجام داده‌اند که این تلاش‌ها در موضوعات مختلف

سیاسی، تجاری، علمی و ... به وفور یافت می‌شود؛ اما آنچه حائز اهمیت است بررسی میزان موفقیت این فعالیت‌ها است. به عقیده برخی صاحب‌نظران، همگرایی، فرایندی است که باید در طول زمان به وقوع بپیوندد؛ به عنوان مثال از نظر ارنست هاس^{۱۷}، همگرایی به طور تصنعی و فرمایشی به دست نمی‌آید و باید آن را در فرایند دید نه در طرحی زودبازده (کاظمی، ۱۳۷۰، صص ۴۱-۳۷). این فرایند باعث می‌شود که کشورهای طرف همکاری، با افزایش همکاری‌ها، به تدریج به همگرایی نزدیک شوند. در جمع‌بندی این بخش می‌توان به این نکته اشاره کرد که علی‌رغم تأسیس کمیته‌ها و مراکز تخصصی متعدد در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و علمی-فناورانه و موفقیت‌های اولیه، این حرکت‌ها در مراحل اولیه حیات خود است و نیازمند پیگیری و تعمق بیشتری است (فوزی تویسرکانی، ۱۳۷۷، صص ۱۲۲ و ۱۲۳) که باید از طریق تلاش کشورها در حوزه‌های مختلف انجام گردد.

۴-۱. همکاری علمی بین‌المللی

همکاری به معنای رابطه‌ای با منافع دوسویه است که دو یا چند سازمان برای دستیابی به هدف‌های مشترک پدید می‌آورند (ماتسیچ و مونسی، ۱۳۸۱، ص ۹). به زبان ساده‌تر، همکاری، به معنی مشارکت و تعاون در اجرای فعالیت‌ها و طرح‌های مشترک است. به تعبیر دیگر، همکاری، فعالیتی گروهی است که در آن، تمامی اعضای گروه برای رسیدن به هدفی ویژه با استفاده از تمامی امکانات بالقوه گروه، در عرضه پیشنهادها علمی، اندیشه‌های نو، نوآوری، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا و بهره‌برداری از دستاوردهای گروهی شرکت می‌کنند (نوروزی و ولایتی، ۱۳۸۸، ص ۲۶).

هنگامی که پژوهشگری نتواند به تنهایی کاری علمی-پژوهشی کند، یا طرحی را که در ذهن خود دارد عملی سازد، راه درست اجرای آن، کمک گرفتن از سایر پژوهشگران و سازمان‌ها است تا آن کار یا طرح به صورت دسته‌جمعی و با یاری، هم‌اندیشی و مشارکت گروهی به نتیجه مطلوب برسد. به این شکل از اجرای کار که به صورت جمعی و سازمان‌یافته انجام می‌شود «همکاری علمی»^{۱۸} گویند. نتیجه این رویکرد گروهی، رشد و توسعه علم و ارتقای سطح دانش عمومی و تخصصی کشور است که پیامد منطقی آن، چیزی جز توسعه علمی و صنعتی نخواهد بود. در واقع،

همکاری علمی، موتور محرکه توسعه علمی و صنعتی کشور است. منظور از همکاری علمی-پژوهشی، خلق اثری از طریق اشتراک دانش است (داورپناه، ۱۳۸۶، ص ۶۰). البته درباره مفهوم همکاری علمی و تعریف آن، اتفاق نظر جامعی وجود ندارد و از آشنایی مختصری بین محققان و رایزنی مشترک گرفته تا همکاری‌های وسیع در طراحی، اجرا و انتشار نتایج را می‌توان به نوعی همکاری علمی تلقی نمود (ملک‌زاده، ۱۳۸۱). در تعریفی، همکاری علمی-پژوهشی عبارت است از «فرایند خلق و کشف اشتراکی که در آن، دو یا چند نفر با مهارت‌های مکمل، در جهت ایجاد درک مشترکی که هر یک از آن‌ها به تنهایی قبلاً نداشته یا نمی‌توانستند داشته باشند با هم در ارتباط هستند» (نوروزی و ولایتی، ۱۳۸۸، ص ۳۲).

همکاری علمی دانشمندان، روزبه‌روز در حال افزایش است و بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته به ارزش همکاری‌های علمی پی برده‌اند و به آن توجه خاصی دارند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که همکاری علمی و پژوهشی در سطح بین‌المللی، نتایج مطلوبی به دست خواهد داد که باعث استفاده از پتانسیل‌ها و توان علمی یکدیگر و کاهش هزینه‌ها در همه سطوح خواهد شد. همچنین، این همکاری‌ها، اغلب، راه‌حل مؤثری در دستیابی به دانش و فناوری علمی پیشرفته برای کشورهای در حال توسعه است (ولایتی و نوروزی، ۱۳۸۷). از سوی دیگر، انزوای علمی، بهای سنگینی به دنبال خواهد داشت و آن، بازماندن از قافله تمدن مشترک جهانی است (ملک‌زاده، ۱۳۸۱).

موضوع فوق، در سیاست‌های کلی نظام اسلامی نیز به روشنی مد نظر قرار گرفته است؛ بر این موضوع در بخش امور فرهنگی با عنوان «توسعه همکاری‌های همه‌جانبه با کشورهای دوست، منطقه و اسلامی و مشارکت بین‌المللی برای حفظ صلح» تأکید شده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۲). همچنین حضرت آیت‌الله خامنه‌ای -مد ظله العالی- در ابلاغ «سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه^{۱۹}» نیز بر «تقویت همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی با اولویت کشورهای همسایه» تأکید کرده‌اند. در نقشه جامع علمی کشور نیز بر تعامل فعال و اثرگذار در حوزه علم و فناوری با کشورهای دیگر به ویژه کشورهای منطقه و جهان اسلام و همچنین، تحقق

مشارکت‌های بین‌المللی در قالب نگارش مقالات، پژوهش‌ها و... تأکید شده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۷، صص ۱۲ و ۲۲). نکات فوق، مبین اهمیت این موضوع در سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی است.

از سوی دیگر، پژوهش‌هایی که درباره میزان همکاری‌های علمی شده است نشان‌دهنده این مطلب است که بیشتر همکاری‌ها در سطح جهانی در حوزه‌های علوم تجربی، فیزیک، شیمی، پزشکی و مهندسی است و همکاری‌ها در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی، بسیار کم‌تر است؛ همکاری‌های علمی ایران نیز بیشتر در حوزه‌های فیزیک، زیست‌شناسی، شیمی، ریاضی، مهندسی، محیط‌زیست و پزشکی است (ولایتی و نوروزی، ۱۳۸۷، ص ۸۰).

برای جمع‌بندی این بخش باید به این نکته اشاره کرد که با توجه به این که همکاری‌های علمی دو یا چندجانبه در سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران قرار دارد شایسته است برای تحقق و توسعه آن تلاش شود. این همکاری‌ها با اهداف مختلفی مانند کسب دانش و توسعه علم و فناوری، کاهش هزینه‌ها، رسیدن به اتحاد و در نهایت، دستیابی به همگرایی و کسب قدرت انجام می‌شود (زارعی و زارعی، ۱۳۸۶). در نهایت، با توجه به تأثیر عواملی مانند عوامل سیاسی و اشتراک در زبان، فرهنگ و جغرافیای مشترک در همکاری‌های علمی (ولایتی و نوروزی، ۱۳۸۷، صص ۷۶-۸۰) می‌توان این همکاری‌های علمی را -در حوزه‌های مختلف علمی من جمله در حوزه علوم انسانی- با کشورهای اسلامی دارای اولویت جدی دانست.

۵-۱. مدیریت اسلامی

به زعم بسیاری از دین‌شناسان، اسلام، دینی است که برای تمامی زوایای زندگی فردی و اجتماعی بشر از تولد تا گور دارای برنامه و آموزه‌های خاص است. غالب افرادی که نفیاً یا اثباتاً به بحث «علم دینی» پرداخته‌اند علم را به منزله رشته علمی (نظامی معرفتی که حاوی چند گزاره است) در نظر گرفته‌اند و حتی عده‌ای معنای خاص‌تر، یعنی علم تجربی^{۲۰} را موضوع بحث خود قرار داده‌اند و این گونه بحث کرده‌اند که آیا علم دینی به منزله رشته‌های علمی دینی یا علوم تجربی دینی،

ممکن است یا خیر. این مباحث معمولاً به مناظره‌هایی درباره ماهیت علم و دین می‌انجامد (سوزنچی، ۱۳۸۹، صص ۱۹۲-۱۹۴).

اضافه شدن پسوند اسلامی به این رشته علمی، باعث تغییرات بنیادینی در مفاهیم و آموزه‌های آن خواهد شد. این بحث به علت تفاوت‌هایی است که در مبانی تفکر اسلامی و غربی وجود دارد که یکی از خاستگاه‌های مدیریت اسلامی است؛ خاستگاه دیگر، مدیریت به معنای رایج^{۲۱} است. نمونه‌ای از این تفاوت‌ها را می‌توان در تفاوت نگاه اسلام و غرب به مقوله‌های انسان، سازمان و اهداف مدیریت دانست که منجر به تفاوت‌هایی در مفهوم سازمان، مدیریت و دیگر مفاهیم مدیریتی در دو نگاه می‌شود (بهارستان، ۱۳۸۳).

در مجموع باید گفت که مدیریت اسلامی، مجموعه معارفی برگرفته از اسلام و ارزش‌های اسلامی و بر مبنای اهداف اسلامی و هدایت و سعادت بشر است که تفاوت‌های جدی‌ای با الگوی غربی رایج دارد و بر مبنای دوگانه عقل و نقل استوار است.

۲. روش پژوهش

برای این پژوهش در ابتدا به جست‌وجوی کتابخانه‌ای و سپس جست‌وجوی اینترنتی برای به دست آوردن اطلاعات تفصیلی پرداخته شد. نتایج این دو مرحله، حاکی از این بود که اطلاعات مورد نیاز برای این پژوهش به صورت مکتوب و تفصیلی در اختیار نیست و محدودیت جدی‌ای برای دسترس به اطلاعات وجود دارد. به همین دلیل، به جست‌وجوی افراد مرتبط با موضوع همکاری‌های علمی و همچنین آشنا با فضای علمی مالزی و ایران در حوزه مدیریت اسلامی پرداختیم که بدین منظور، مصاحبه‌هایی، طراحی و انجام شد؛ سپس داده‌ها با استفاده از روش تحلیل نظام‌مند داده‌بنیاد (روش استراوس^{۲۲} و کوربین^{۲۳}) تحلیل شد.

نظریه مفهوم‌سازی بنیادی، نوعی راهبرد پژوهشی است که در پی تدوین نظریه است و ریشه در داده‌های مفهومی‌ای دارد که به صورت نظام‌مند، گردآوری و تحلیل شده‌اند (دانایی‌فرد و دیگران، ۱۳۸۳، ص ۱۹). این راهبرد با استفاده از رویکرد استقرایی سعی می‌کند داده‌ها را به صورت توأم، مفهوم‌سازی، گردآوری و تحلیل کند؛

به گونه‌ای که مدل، به صورت مستقیم از داده‌ها ظاهر شود؛ این روند بر خلاف رویکرد قیاسی غالب در پژوهش است که با بررسی ادبیات موضوع، چارچوب مفهومی یا نظریه تدوین می‌گردد و سپس داده‌ها با استفاده از ابزارهای پژوهش جمع‌آوری می‌شود تا در پی تحلیل آن‌ها، چارچوب مفهومی، آزمون شود (دانایی‌فرد، ۱۳۸۴).

داده‌های مورد نیاز این پژوهش از طریق نمونه‌گیری نظری و از روش مصاحبه به دست آمد؛ سپس با روش کدگذاری نکات کلیدی، کدگذاری صورت پذیرفت. در این روش نمونه‌گیری و تحلیل، از طریق هم‌زمانی جمع‌آوری و تحلیل انواع مختلف داده، به پژوهشگر فرصت داده می‌شود تا درباره اینکه در تدوین نظریه چه داده‌هایی را و از کجا جمع‌آوری نماید، بیندیشد.

سمت و تخصص برخی مصاحبه‌شوندگان نیز بدین شرح است: استاد دانشگاه و مسئول دفتر همکاری‌های علمی بین‌المللی، استاد دانشگاه و رئیس مرکز مطالعات و همکاری‌های علمی بین‌المللی^{۲۴}، استاد دانشگاه و فعال در زمینه همکاری‌های علمی بین‌المللی علی‌الخصوص با کشور مالزی، استاد دانشگاه و شرکت‌کننده در چندین همایش بین‌المللی در کشورهای مختلف علی‌الخصوص مالزی، استاد دانشگاه و مسئول مرکز مدیریت اسلامی جهاد دانشگاهی، دانشجوی دکتری ایران و شرکت‌کننده در چندین دوره آموزشی در کشور مالزی و دانشجوی دکتری در مالزی و مطلع از فضای علمی ایران (دانشجو در سطح کارشناسی و ارشد در ایران).

۳. تجزیه و تحلیل اطلاعات

۳-۱. روند کلی

پس از جمع‌آوری داده‌ها، فرایند کدگذاری، مرحله به مرحله و به منظور مفهوم‌سازی آغاز شد؛ در روند تحلیل، از مصاحبه اول، ۳۱ نکته کلیدی، ۱۲ مفهوم و ۵ مقوله استخراج شد؛ در مصاحبه بعد، تعداد ۱۱۹ نکته کلیدی و حدود ۳۰ مفهوم و ۶ مقوله به دست آمد که از این تعداد، حدود ۲۰ مفهوم و ۱ مقوله جدید استخراج شد و نکات تکراری نیز یافته‌های مصاحبه قبل را تقویت کرد. این روند برای هر مصاحبه و تا رسیدن به کفایت نظری ادامه یافت و از جمع‌آوری داده‌ها، مفاهیم و مقوله‌های جدیدی به دست آمد که روند آن را می‌توان در جدول زیر مشاهده کرد.

جدول شماره ۱. روند کلی پژوهش

مقوله‌ها	مفاهیم		نکات کلیدی	مصاحبه
	تکرار	جدید		
جدید				
۵	-	۱۲	۳۱	اول
۱	۱۰	۲۰	۱۱۹	دوم
۱	۱۰	۷	۲۳	سوم
-	۷	۱۱	۵۵	چهارم
-	۵	۷	۴۴	پنجم
-	۲	۵	۶۴	ششم
-	۸	۷	۶۷	هفتم
-	۴	۷	۳۵	هشتم
۷		۷۶	۴۳۸	مجموع

۲-۳. کدگذاری اولیه

در این مرحله، برای رسیدن به مقوله‌ها، هر مصاحبه، به تفکیک، کدگذاری شد. به تدریج، مفاهیم و مقوله‌های به دست آمده از هر مصاحبه، غنی تر شدند تا تحقیق، در نهایت، در مصاحبه پنجم به کفایت نظری رسید. مصاحبه‌های بعدی برای اطمینان و افزودن به غنای نتیجه، طراحی و انجام شد. تعدادی از خروجی این بخش عبارت است از:

۱-۲-۳. مقوله قوت‌های نرم‌افزاری ایران

کشور مالزی دارای جمعیتی غالباً مسلمان است که اکثر آنان را پیروان اهل سنت تشکیل می‌دهند. تاریخ دقیق ورود اسلام به مالزی روشن نیست ولی مسلم آن است که اسلام به تدریج و در قالب مهاجرت مسلمانان بازرگان، تعامل مالیوها با مسلمانان و پذیرش اسلام و تبلیغ و دعوت مردم به اسلام صورت گرفته است؛ و این بدان معنی است که اسلام در این کشور، سابقه بسیار کمتری نسبت به ایران دارد. از طرف دیگر، ایران به علت بهره‌مندی از معارف حقه تشیع، دارای قوت محتوایی معتنا بهی نسبت به مالزی است. بهره‌مندی شیعه از ۲۵۰ سال حضور ائمه -علیهم السلام- و بهره‌مندی از سخنان و سیره آنان، پویایی فقهی شیعه (به علت وجود اجتهاد)، سابقه طولانی حوزه‌های

علمیه در ایران و وجود دانشمندان بزرگ ایرانی (از گذشته تا کنون) همگی از عواملی هستند که باعث می‌شود ایران در حوزه محتوایی بر مالزی برتری داشته باشد.

جدول شماره ۲. مقوله قوت‌های نرم‌افزاری ایران

مفاهیم	برخی نکات کلیدی
قوت ایران در معارف شیعه (فقه، حدیث و فلسفه) و قوت سؤالات پژوهشی ایران	برتری‌های محتوایی تفکر شیعه، قوت ایران در حدیث، پویایی فقه شیعه، فقه غنی تشیع، علاقه‌مندی مالزی به دانستن نظر شیعه
تعدد نگاه‌ها و نظرات در مدیریت اسلامی	انحصار منبع فقهی مالزی در امام محمد غزالی، قوت ایران در فقه، برتری‌های محتوایی تفکر شیعه، معارف غنی تشیع در موضوعات مختلف اعم از تجارت و بازرگانی
	قابلیت ایران در مباحث فلسفی، قابلیت ایران در فلسفه اقتصاد و مدیریت، قوت ایران در سؤالات پژوهشی
	نگاه‌های مختلف به علوم اسلامی در ایران، وجود جریان‌ها و گفتمان‌های مختلف در مقالات ایران، نگاه ایران به مدیریت اسلامی در سطح مدیریت کلان، تدریس مدیریت اسلامی، نگاه ایران به مدیریت اسلامی در سطح کلان و نگاه مالزی در سطح خرد، بیش از ۱۰ مرکز فعال در حوزه مدیریت اسلامی در ایران، فعالیت فردی برخی استادان در مدیریت اسلامی، گرایش مختلف افراد به مدیریت اسلامی

۲-۲-۳. مقوله قوت‌های سخت‌افزاری ایران

هوش و ذکاوت ایرانی از گذشته تا کنون، زبان‌زد خاص و عام بوده است. این موضوع را می‌توان در تعداد و قوت دانشمندان ایرانی از قبل از اسلام و پس از آن مشاهده کرد. ایران از گذشته، مهد ادب، فرهنگ و هنر بوده است و دانشمندان فراوانی را در دامن خود پرورده است. هم اکنون نیز طبق آمار، بیشترین رشد علمی را در میان همه کشورهای جهان دارد. دلیل این موضوع را می‌توان در قوت و همت دانشمندان ایرانی دانست. از سوی دیگر، می‌توان به حوزه‌های علمیه در ایران اشاره کرد. این حوزه‌ها که سابقه‌ای بیش از هزار سال دارند هم اکنون در میان شیعیان، محوریت فراوانی دارند.

جدول شماره ۳. مقوله معرفی قوت‌های سخت‌افزاری ایران

مفاهیم	مثال‌هایی از نکات کلیدی
قوت در نیروی انسانی	دانشمندان اسلامی، عمیق‌تر بودن دانشجو، استاد و متفکر داخلی، هوش و ذکاوت ایرانی
نهادهای اسلامی مورد نیاز برای تولید علوم انسانی	حوزه‌های علمیه، سابقه طولانی حوزه‌های علمیه، مرجع حل مشکلات جامعه در ایران در گذشته: حوزه‌های علمیه، منابع غنی ایران، قوت ایران در زبان عربی

۳-۲-۳. مقوله قوت‌های سخت‌افزاری مالزی

قوت‌های علمی مالزی بیشتر در بخش سخت‌افزاری است. مالزی به دلیل ارتباط خوب علمی با کشورهای دیگر - علی‌الخصوص کشورهای اروپایی و آمریکایی - توانسته است استادان بین‌المللی زیادی را جذب کند. از سوی دیگر، این کشور، سرمایه‌گذاری زیادی برای فراهم کردن زیرساخت‌های علمی-آموزشی کرده است. همت مالزی در برگزاری همایش‌های علمی بین‌المللی نیز قابل توجه است؛ نکته دیگر، رویکرد نظام علمی این کشور است که پژوهش‌محوری، خروجی‌های مناسب علمی و نزدیکی میان بخش‌های علمی و عملی را ترغیب می‌کند؛ توجه جدی به موضوعات فوق، این کشور را به قطب بازارهای مالی اسلامی جهان تبدیل کرده است.

جدول شماره ۴. مقوله قوت مالزی در زمینه‌های کاربردی

مفاهیم	مثال‌هایی از نکات کلیدی
فراوانی استادان و دانشجویان بین‌المللی	وجود استادان تمام فراوان بین‌المللی و اعتماد دانشجویان خارجی به مالزی
همایش‌های فراوان	بورس کردن دانشجویان و استادان خارجی
قوت همکاری‌های	همایش‌های بین‌المللی فراوان در مالزی، برگزاری همایش‌های متعدد به دست مؤسسات زیر نظر بانک مرکزی مالزی، برگزاری همایش‌های بین‌المللی و بورس کردن دانشجویان و استادان خارجی
قوت همکاری‌های	برگزاری دوره‌های مشترک با کشورهای دیگر، زیادتر بودن شاخص همکاری‌های بین‌المللی، همکاری بسیار خوب میان دانشگاه‌ها و

مثال‌هایی از نکات کلیدی	مفاهیم
مؤسسات داخلی، تحقق بازار مالی اسلامی، ارتباط میان بخش‌های علمی و عملی	علمی و نزدیکی مباحث علمی و عملی
قوت در ابزارها، قوت مالزی در موضوعات (پژوهشی) کاربردی، مزیت در مباحث تکنیکال، قوت در موضوعات مالی و بانکداری اسلامی، وجود مکاتب چهارگانه و تفاوت آرای آن‌ها، قوت بالفعل مالزی در مباحث فقهی	قابلیت مالزی در موضوعات کاربردی
قوت در عرضه علمی، روش‌های تحقیق هماهنگ‌تر با مبانی غربی، محتوای بهتر ایران و روش‌های بهتر در مالزی، قوت مالزی در عرضه دارایی‌ها، توجه به روش‌شناسی در فعالیت علمی	قوت در عرضه علمی و روش‌شناسی
قوت در امکانات فیزیکی، آزمایشگاهی، ساختمان‌ها و ...، قوت در امکانات رایانه‌ای، فضای گسترده دانشگاه‌ها، دسترس به کتابخانه‌ها، سرمایه‌گذاری‌های فراوان در مباحث کمک آموزشی	قوت مالزی در امکانات آموزشی - پژوهشی
پژوهش محوری مالزی، اهمیت مقاله‌نویسی بین‌المللی	نظام آموزشی پژوهش محوری
حمایت از نگارش مقالات بین‌المللی	مالزی
توجه به علوم جدید و سرمایه‌گذاری مناسب، امکان ایجاد رشته‌های جدید در مالزی	توجه به علوم جدید
داشتن چشم‌انداز پیشتازی یا مرجعیت در مالزی	چشم‌انداز پیشتازی در مالی اسلامی

۳-۲-۴. مقوله ضعف‌های ایران و مالزی

نکته جالب توجه در معرفی ضعف‌های ایران، آن است که در بسیاری از حوزه‌هایی که به عنوان قوت‌های مالزی به آن‌ها اشاره شد، ایران دارای ضعف‌هایی جدی است و این موضوع می‌تواند در اولویت همکاری، مورد توجه ویژه قرار گیرد. مثلاً ارتباط علمی

ایران و کشورهای دیگر، ضعیف است و این کشور، نتوانسته است از پتانسیل‌های موجود در این حوزه به خوبی استفاده کند. مشکل دیگر، ضعف در عرضه علمی است. به زعم برخی صاحب‌نظران، تولیدات علمی زیادی در ایران وجود دارد که در صورت ترجمه به انگلیسی، برای جهانیان بسیار مفید خواهد بود؛ لکن عزمی جدی برای این موضوع وجود ندارد. ضعف خودباوری و ضعف غالب در زبان انگلیسی نیز دو عاملی هستند که ضعف مذکور را تقویت می‌کنند.

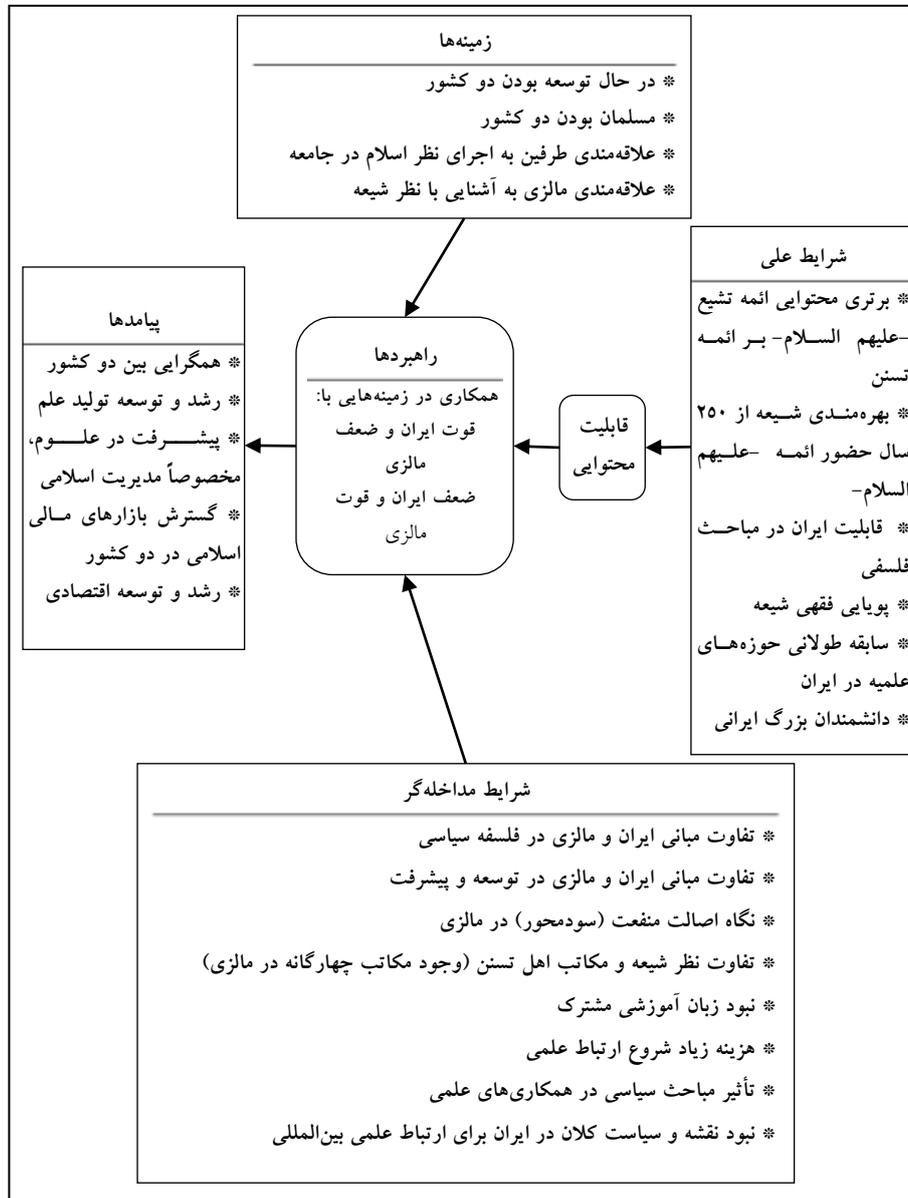
کشور مالزی نیز در برخی موضوعات محتوایی و نرم‌افزاری، ضعیف است که به نظر می‌رسد بیشتر به علت ضعف اندیشه‌ای اهل سنت و تأکید ویژه مالزی بر موضوعات کاربردی باشد.

جدول شماره ۵. مقوله ضعف ایران و مالزی

مفاهیم	مثال‌هایی از نکات کلیدی
ضعف ایران در تبادل و ارتباط علمی	ضعف در تبادل علمی و انتقال دانشجو بی‌علاقگی دانشجویان و استادان
ضعف زبان در ایران	ضعف زبان در ایران، ضعف ایران در نوشتن مقالات انگلیسی، منابع غنی ایران و ضعف در عرضه به انگلیسی
ضعف ایران در عرضه علم	ضعف ایران در عرضه علمی، مثال در بحث عرضه عملی دو کشور ضعف ایران در عرضه علمی
ضعف محتوایی مالزی	مزیت مالزی در مباحث تکنیکال و ضعف در مباحث بنیادی و نظری، تفاوت جنس سؤالات ایران با مالزی، عمیق نبودن سؤالات مالزی، قوت مالزی در مباحث فنی، ورود نکردن در مباحث فلسفی، سؤالات صرفاً برای حل مشکلات روزمره
فقه ایستای مالزی	فقه ایستای مالزی، منبع فقهی مالزی: بیشتر امام محمد غزالی، عدم حجیت اجتهاد

۳-۳. کدگذاری محوری

در این مرحله، با مقایسه مقوله‌ها و شناخت قابلیت محتوایی ایران به عنوان مقوله محوری، مدل فرایندی را ارائه می‌کنیم:



نمودار شماره ۱. الگوی کدگذاری محوری

۳-۴. کدگذاری انتخابی

این مرحله، همان طور که استراوس و کوربین بیان کرده‌اند، مرحله یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌هاست.

با مقایسه و بررسی کلی مراحل قبل، می‌توان در جمع‌بندی گفت که قوت ایران در مباحث نرم‌افزاری و محتوایی است و قوت مالزی در مباحث کاربردی و سخت‌افزاری. البته باید به این نکته نیز توجه کرد که قوت ایران در مباحث نرم‌افزاری، بالقوه است و قوت مالزی در مباحث کاربردی، بالفعل. پس برای برنامه‌ریزی به منظور ایجاد ارتباط باید به بالفعل کردن قوت‌های داخلی، اهتمام ویژه کرد. در نوعی تقسیم‌بندی از منابع اصلی علوم اسلامی می‌توان به منابع عقلی و نقلی اشاره کرد. در این دسته‌بندی، قوت‌های ایران، آشکارتر می‌شود؛ به این دلیل که ایران در هر دو زمینه، قوت‌های زیادی دارد. ایران با بهره‌گیری از فقه تشیع و قوت و پویایی موجود در آن، برتری ویژه‌ای دارد. با توجه به فعالیت حوزه‌ها در مدت زمان حیات خود، فقه به متنی فرآورده و مورد استفاده در مباحث مختلف روزمره تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که می‌توان در پیشامدهای مختلف از آن کمک گرفت. علاوه بر آن با توجه به وجود «اجتهاد» که ظرفیت ویژه‌ای برای فقه جعفری است، برای مسائل مستحدثه نیز می‌توان امیدوار به یافتن پاسخ بود؛ در حالی که باب این موضوع به علت عدم اعتقاد به این منبع با ارزش، در میان اهل سنت بسته است.^{۲۵} به لحاظ اندیشه‌های فلسفی نیز ایران، قوت زیادی نسبت به مالزی دارد و این قوت در جهت‌گیری پژوهشی و ایجاد سؤال، نمایان می‌شود؛ به گونه‌ای که جنس دغدغه‌ها و به تبع آن، سؤالات در ایران و عمق آن‌ها با سؤالات مالزی، کاملاً متفاوت است؛ در مقابل، قوت آن‌ها بیشتر در مباحث کاربردی و عملیاتی کردن مباحث اسلامی است؛ مثلاً مالزی، قطب بازارهای مالی-اسلامی است؛ در واقع، جنس سؤالات و جهت‌گیری پژوهشی مالزی، کاربردی و عملیاتی است؛ در حالی که در ایران، سؤالات، عمیق و مفهومی است. مثال دیگری از قوت‌های ایران، تلاش‌های گسترده برای تحقق علوم اسلامی است که سابقه‌ای طولانی دارد و بحث‌های فراوان و نحله‌های متعددی در این زمینه به وجود آورده است؛ در موضوعاتی مانند چیستی علم دینی و معنای آن یا امکان‌پذیری دینی شدن علوم،

مدت‌ها است که صاحب‌نظران، بحث و بررسی می‌کنند و پژوهش‌های فراوان و کتب متعددی درباره آن بروز یافته است؛ همچنین، سابقه حوزه‌های علمیه در ایران و متون موجود، موجب قوت و برتری ویژه ایران می‌شود؛ در حالی که در مالزی، بحث‌های بین رشته‌ای اسلامی، سابقه چندانی ندارد. نکته دیگر آنکه درباره منبع روایی «مجموعه حدیث و سیره»، شیعه با بهره‌گیری از ۲۵۰ سال حیات ائمه، به منبع عظیمی از سخنان و راهنمایی‌های پیشوایان خود دسترس دارد؛ ولی اهل تسنن از این منبع عظیم بی‌بهره‌اند و منابع آن‌ها منحصر در احادیث نبوی -صلی الله علیه و آله و سلم- و کتب اربعه است؛ و این در حالی است که برخی پیشوایان اهل سنت، از شاگردان ائمه شیعه بوده‌اند. از موضوعات فوق می‌توان به قوت شیعه و به تبع آن، قوت ایران در مباحث فلسفی، فقهی و روایی پی برد.

در مقابل، مالزی در مباحث سخت‌افزاری و کاربردی، قوت زیادی دارد. در واقع، قوت مالزی از طرفی در کاربردی کردن مباحث اسلامی است و از طرف دیگر، سخت‌افزارهای مورد نیاز برای افزایش نشاط علمی را نیز به خوبی فراهم کرده است؛ مثلاً موضوعاتی مانند تعداد فراوان استادان و دانشجویان خارجی و قوت در تبادل استادان، قوت در همکاری‌های علمی بین‌المللی با کشورهای اروپایی، توانایی در عرضه علمی و قوت در روش‌شناسی، وجود امکانات آموزشی-پژوهشی با کیفیت و کمیتی مطلوب، برگزاری همایش‌های ملی و بین‌المللی متعدد در زمینه‌های مرتبط و همچنین، نظام آموزشی پژوهش‌محور، قوت‌های ویژه مالزی است؛ در حالی که ایران در بسیاری از این موارد، دچار ضعف‌هایی جدی است که می‌توان برخی از آن‌ها را با همکاری برطرف کرد.

اگر بخواهیم به ضعف‌های موجود نیز اشاره کنیم باید گفت که ضعف ایران در استفاده از محتوای غنی خود و کاربردی کردن علوم و در مقابل، ضعف مالزی، محتوای ضعیف‌تر است. به بیان دیگر، ایران در موضوع علوم انسانی اسلامی، عمق، قوت و غنای بسیار بیشتری دارد ولی نتوانسته است به خوبی از قوت‌های خود استفاده نماید؛ در حالی که مالزی -علی‌رغم ضعف محتوایی خود- توانسته است در حوزه‌های کاربردی و عملیاتی پیشرفت زیادی کند.

در زمینه ارتباط دو کشور، فرصت‌هایی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را بیشتر از زاویه تشابه و نزدیکی دو کشور از جنبه‌های مختلف مانند فرهنگی، اجتماعی، ارزشی و تناسب در اهداف، تحلیل کرد؛ مثلاً هر دو، کشورهای اسلامی در حال توسعه و به دنبال استفاده از ظرفیت دین اسلام در پاسخ‌گویی به نیازهای خود هستند.

اما زمینه‌هایی نیز وجود دارد که می‌تواند ارتباط دوجانبه را تهدید کند. این تهدیدها را می‌توان به علت تفاوت در مبانی اعتقادی و مذهبی دو طرف دانست؛ مثلاً با توجه به بهره‌مندی از معارف تشیع، الگوی اسلام در ایران، اجتماعی، و جامعه‌سازی یکی از اهداف جدی آن است. در ایران، مسائلی مد نظر قرار می‌گیرد که در پیوند میان سیاست، دیانت و اجتماع، خودنمایی می‌کنند (طرح بحث ولایت فقیه و حکومت اسلامی، نشانه‌ای برای موضوع فوق است)؛ این در حالی است که الگویی که مالزی عرضه می‌کند الگویی کاملاً فردی از اسلام است.

تفاوت دیگر در مباحث مربوط به توسعه و پیشرفت است. در حالی که در ایران برای دستیابی به الگوی پیشرفت اسلامی - عرضه الگویی در مقابل الگوی غربی - تلاش می‌شود، الگوی مالزی می‌خواهد ژاپن یا آمریکای اسلامی بسازد؛ و این بدان معنی است که الگوی توسعه ژاپن و یا آمریکا - با کمی تغییر - برای مالزی، مقبول است. از طرف دیگر، در مالزی، در طرح مسائل اسلامی، اصالت با سودآوری است و معمولاً مباحثی که سودآوری مادی چندانی ندارد مطرح نمی‌شود، حتی اگر مسائل مهمی باشند؛ در حالی که در ایران، سودآوری اقتصادی در مرتبه دوم اهمیت قرار دارد و به برخی مباحث و اهداف، صرفاً ارزشی نگاه می‌شود. نکته دیگر در وجود مذاهب چهارگانه اهل تسنن در مالزی و تفاوت‌های موجود در نظر این مکاتب با نظر شیعه است که می‌تواند تهدید بالقوه‌ای برای ارتباط باشد. تهدید دیگر، تأثیر عامل سیاسی است که می‌تواند به صورت جدی در ارتباط خودنمایی کند؛ به گونه‌ای که در برخی برهه‌های زمانی، ارتباط ایران با مالزی دچار مشکل شده است که این مسائل، به حوزه‌های مختلف از جمله حوزه ارتباط علمی نیز سرایت کرده است. نکته پایانی آن است که برخی تهدیدها، بالقوه است و برخی، بالفعل؛ لکن به منظور موفقیت در ارتباط دوطرفه، باید به همگی آن‌ها توجه ویژه کرد و برای برطرف کردن آن چاره اندیشید.

همان طور که اشاره شد همکاری به معنای رابطه‌ای تعریف شده با منافع دوسویه است که برای دستیابی به هدف‌های مشترک پدید می‌آید؛ در یک تقسیم‌بندی منطقی، می‌توان به پنج راهبرد درباره همکاری اشاره کرد که با توجه به توضیحات فوق، دو راهبرد از آن‌ها به عنوان راهبردهای اصلی همکاری به اختصار معرفی خواهد شد.

▪ **همکاری در زمینه‌هایی با ضعف ایران و قوت مالزی (ضعیف-قوی):** در این صورت با قوت‌های مالزی، ضعف‌های ایران رفع می‌شود و مالزی، انتفاع مالی خواهد برد.

▪ **همکاری در زمینه‌هایی با قوت ایران و ضعف مالزی (قوی-ضعیف):** در این صورت با قوت‌های ایران، ضعف‌های مالزی رفع می‌شود و ایران، انتفاع مالی خواهد برد.

▪ **همکاری در زمینه‌هایی با ضعف ایران و ضعف مالزی (ضعیف-ضعیف):** در این صورت با استفاده از پتانسیل همکاری دوجانبه، به مشکلات و ضعف‌های دو طرف، رسیدگی و در جهت حل آن‌ها تلاش می‌شود.

▪ **همکاری در زمینه‌هایی با قوت ایران و قوت مالزی (قوی-قوی):** در این صورت با استفاده از پتانسیل همکاری دوجانبه، قوت‌ها و مزیت‌های دو طرف می‌افزاید و حرکت در جهت افزایش و گسترش آن‌ها خواهد بود.

▪ **همکاری ترکیبی در زمینه‌هایی با قوت و ضعف دوجانبه:** در این صورت، همکاری در دو موضوع مختلف که در هر یک از آن‌ها یکی از طرفین، قوی و طرف دیگر ضعیف است صورت خواهد پذیرفت.

همان طور که قبلاً ذکر شد، در این تحقیق، نفس همکاری، موضوعیت دارد و هدف رسیدن به همگرایی در اولویت است و بهبود وضعیت علمی در مرتبه دوم اهمیت قرار می‌گیرد و به همین دلیل راهبردهای دوم تا چهارم پیشنهاد شده است. پیامدهای این همکاری می‌تواند به صورت ایجاد ارتباط دوجانبه و حرکت به سمت همگرایی (هدف اصلی پژوهش)، رشد و توسعه تولید علم علی‌الخصوص مدیریت اسلامی و رشد و توسعه اقتصادی در نظر گرفته شود.

جمع بندی

امروزه که شاهد گشوده شدن مرزهای متداول کشورها به سوی محیط جهانی و جهانی شدن بازارها هستیم ائتلاف‌های چندجانبه، کمکی به کشورهای کمتر توسعه یافته است تا قبل از آنکه با ورود به بازارهای جهانی - به علت رقابت فزاینده - از عرصه رقابت، حذف شوند به حل مشکلات و تقویت زیرساخت‌های خود از طریق همکاری بپردازند. آنچه تا کنون در میان کشورهای اسلامی به منظور ایجاد همکاری شکل گرفته است تلاش برای ایجاد سازمان‌های گسترده و پیمان‌هایی بوده است که غالباً در حد توافق‌نامه‌هایی باقی مانده است. به زعم برخی صاحب‌نظران، دلیل این مشکلات، این است که معمولاً فرایند مورد نیاز برای یکپارچگی‌ها و استقرار این سازمان‌ها، انجام نمی‌پذیرد؛ به همین دلیل، پیمان‌ها و توافق‌نامه‌ها، کاربردی نیست. البته قطعاً مشکلات و موانع دیگری نیز در عدم توفیق چنین سازمان‌هایی مؤثر بوده است که برای مثال می‌توان به عوامل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اشاره کرد.

در این تحقیق با توجه به عدم توفیق تلاش‌های سابق، با تغییر زاویه دید به همکاری از پایین به بالا و آغاز همکاری از حوزه‌های کوچک‌تر و عملیاتی‌تر، برای ارائه راهکاری به منظور گسترش همکاری‌ها و دستیابی به همگرایی بین کشورهای اسلامی تلاش می‌شود. در واقع، ویژگی خاص این پژوهش، توصیه به تغییر راهبردی نگرش‌ها و شروع از حوزه‌های کاربردی و کوچک است. نکته جالب توجه آن است که همکاری علمی، حوزه عملیاتی مورد علاقه طرفین است که مشکلات سیاسی، فرهنگی و مالی کمتری خواهد داشت؛ و به همین دلیل هم می‌توان به حصول نتیجه امیدوار بود. همچنین، یکی از مشکلاتی که معمولاً در موضوع ارتباطات میان کشورها وجود دارد آن است که سیاست‌گذاری ارتباطات، به خوبی در سطح عملیاتی پیگیری نمی‌شود؛ لذا موافقت‌نامه‌ها و سازمان‌های تشکیل شده به موفقیت چندانی دست پیدا نمی‌کنند. همکاری علمی می‌تواند مشکل فوق را نیز بهبود بخشد و با حرکت در سطح عملیاتی به توافق‌نامه‌های موجود، شأن عملیاتی بخشد.

از اهداف دیگر این پژوهش می‌توان به شناخت و معرفی توانایی‌های داخلی در حوزه علوم انسانی اسلامی اشاره کرد. معمولاً در زمینه ارتباط میان کشورها، آشنایی

جامعی از ویژگی‌ها و توانایی‌های دو طرف وجود ندارد. در برخی موارد حتی چنین شناختی از قابلیت‌های داخلی نیز وجود ندارد که در این صورت معرفی توانایی‌های داخلی حائز اهمیت بسیاری است.

در این پژوهش، به بررسی قابلیت‌های علمی ایران و مالزی در حوزه مدیریت اسلامی پرداخته شد و موضوعات مؤثر در شکل‌گیری همکاری علمی دو جانبه معرفی شد. قوت‌های ایران در زمینه محتوایی و قوت ویژه مالزی در زمینه ابزاری و کاربردی می‌تواند اساس این ارتباط را شکل دهد. همچنین، شباهت‌های موجود میان دو کشور، فرصتی است که می‌تواند در شکل‌گیری ارتباط، اثر مثبت زیادی داشته باشد. این شباهت‌ها در زمینه‌های مختلفی مانند فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... یافت می‌شود. البته موضوعاتی نیز وجود دارد که همکاری دو کشور را تهدید می‌کند که اغلب، ریشه در تفاوت‌های میان آن‌ها دارد. جمع‌بندی این بخش آن است که پتانسیل مناسبی در حوزه‌های مختلف سخت‌افزاری و نرم‌افزاری میان دو کشور وجود دارد که می‌تواند در ایجاد همکاری علمی مؤثر باشد و میزان دستیابی به موفقیت را افزایش دهد.

در نهایت، پیشنهاد می‌شود تحقیقات مشابهی برای شناخت و معرفی ظرفیت‌های همکاری با دیگر کشورهای اسلامی در حوزه‌های علمی و حوزه‌های دیگر انجام پذیرد؛ مثلاً به نظر می‌رسد تحقیقاتی در موضوع بررسی پتانسیل‌های همکاری در حوزه‌هایی که ایران در آن‌ها دارای قوت بالفعل است می‌تواند مناسب باشد؛ برای نمونه می‌توان به بررسی همکاری در حوزه‌هایی نظیر علوم و فناوری‌های جدید مانند زیست‌فناوری، فناوری نانو، سلول‌های بنیادی، علوم هسته‌ای و همچنین علوم پزشکی که همگی از قوت‌های ایران هستند اشاره کرد.

از دیگر پیشنهادها پژوهشی، مطالعات کاربردی و ورود عملیاتی‌تر به موضوع همکاری‌ها است. در واقع، پس از شکل‌گیری توافقات سیاسی باید ترتیباتی اتخاذ شود که این توافقات، عملیاتی شود. به همین منظور می‌توان به پژوهش در حوزه برنامه‌ریزی برای تحقق همکاری با توجه به شناخت عمیق از اوضاع کشورهای همکار اشاره کرد که می‌تواند حلقه تحقیقات قبلی را تکمیل، و موجبات عملیاتی شدن همکاری و

ارتباطات چندجانبه را فراهم سازد. در نهایت و با موفقیت در موضوعات فوق می‌توان به گسترش همکاری بین کشورهای اسلامی و در نهایت تقویت همگرایی امیدوار بود.

یادداشت‌ها

1. globalization

۲. این واژه، ترجمه Integration است که در برخی از مقالات به همگرایی، تلفیق یا ائتلاف نیز ترجمه شده است. در این مقاله از ترجمه یکپارچه‌سازی به عنوان راهکاری برای رسیدن به همگرایی-که هدف اصلی مقاله است- استفاده می‌شود.

۳. درباره اینکه چه کشوری را باید اسلامی گفت نظرها مختلف است (برخی لازمه آن را اسلامی بودن حکومت می‌دانند و برخی دیگر، وجود درصد زیادی مسلمان در جمعیت کشور و ...)؛ برخی دیگر نیز به کشورهای اسلامی اطلاق می‌کنند که عضو سازمان همکاری اسلامی هستند که نگارنده قول اخیر را پذیرفته است.

4. regional trading agreement (RTA)

۵. ترتیبات منطقه‌ای، موافقت‌نامه‌هایی است که دربرگیرنده ترتیبات تجاری ترجیحی یا آزادسازی محدود، ترتیبات ناحیه تجارت آزاد و اتحادیه گمرکی است. در ترتیبات ترجیحی، کشورهای امضاءکننده آن، توافق می‌کنند که موانع تعرفه‌ای را در میان خود کاهش دهند؛

6. free trade area

7. union customs

8. preferential trade agreement (PTAs)

9. Organization of Islamic Cooperation (OIC)

10. Persian Gulf Cooperation Council

11. Economic Cooperation Organization (ECO)

۱۲. البته کشورهای اسلامی در چند پیمان دیگر نیز عضو هستند که برای نمونه می‌توان به سازمان همکاری‌های اقتصادی (ECO) و شورای همکاری‌های خلیج فارس (GCC) اشاره کرد.

۱۳. البته این نکته باید مد نظر قرار گیرد که موضوع مذکور، برای ارتباط حداقلی، مصداق می‌یابد و به منظور گسترش همکاری و پیوند بیشتر دو کشور در این زمینه، باید به موانع سیاسی و فرهنگی توجه بیشتری نمود.

14. COMSTEC (Standing Committee for Scientific and Technological Cooperation)

۱۵. این کمیته در سال ۱۹۸۱ جهت نظارت بر تحقیقات علمی و فناوری کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در نشستی که این سازمان در کشور عربستان (در شهر مکه)

داشت تشکیل شد. مهم‌ترین اهداف کامستک عبارت‌اند از: افزایش سطح همکاری‌های علمی و فناوری میان کشورهای اسلامی به منظور حل مشکلات این کشورها، شناخت و تشویق ابداعات علمی و فناوری که متضمن منافع پایدار در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای اسلامی است (نوروزیان، ۱۳۸۴).

16. ISESCO (Islamic, Educational & Cultural Organization)

17. Ernst Haas

18. scientific collaboration

۱۹. بند ۳۹-۱ سند چشم‌انداز بلندمدت جمهوری اسلامی ایران، بخش‌نامه شماره

۱۳۸۲/۹/۲۰ مورخه ۱۰۱/۱۹۳۰۰۰

20. science

21. management science

22. Struass

23. Corbin

24. CISSC

۲۵. البته باید به این نکته اشاره کرد که فقه موجود نیز بیشتر در زمینه فقه فردی رشد کرده است و در زمینه‌های کلان اجتماعی هنوز به قوام لازم نرسیده است؛ اما نکته جالب توجه، قوت کنونی فقهی شیعه (حتی با توجه به ضعف‌ها) است.

کتابنامه

بهارستان، جلیل (۱۳۸۳)، «مطالعه تطبیقی مدیریت اسلامی و مدیریت رایج»، مدرس علوم انسانی، ویژه‌نامه مدیریت، دوره هشتم، شماره پیاپی ۳۶، صص ۳-۲۳.

ثاقب، حسن و زاهدطلبان، علی (۱۳۸۵)، «بررسی آثار تجاری انعقاد توافق‌نامه نظام ترجیحات تجاری سازمان همکاری اسلامی»، پژوهشنامه بازرگانی، دوره یازدهم، شماره ۴۱، صص ۲۷-۵۳.

حسن‌پور، یوسف و بهروزی‌فر، مرتضی (۱۳۸۶)، «بررسی تجارت مکملی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی»، پژوهش‌نامه بازرگانی، دوره یازدهم، شماره ۴۲، صص ۱۱۹-۱۴۵.

دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۴)، «تئوری‌پردازی با رویکرد استقرایی - استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادی»، دانشور رفتار، دوره دوازدهم، شماره ۱۱، صص ۵۷-۷۰.

دانایی‌فرد، حسن، الوانی، مهدی و آذر، عادل (۱۳۸۳)، روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: صفار.

داورپناه، محمدرضا (۱۳۸۶)، ارتباط علمی: نیاز اطلاعاتی و رفتار اطلاع‌یابی، تهران: چاپار.

رمضان‌زاده، عبدالله و مسعودی، حیدرعلی (۱۳۸۸)، «جستاری نظری پیرامون جهانی شدن و امپراتوری‌سازی و رابطه دو مفهوم»، سیاست، دوره ۳۹، شماره ۲، صص ۱۰۹-۱۲۸.

- زارعی، بهروز و زارعی، عظیم (۱۳۸۶)، «پارادایم‌های تئوریک تبیین‌کننده شکل‌گیری ارتباطات بین‌سازمانی»، دوره بیستم، شماره ۷۸، صص ۶۲-۴۵.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۲)؛ سند چشم‌انداز بلندمدت جمهوری اسلامی ایران، بخش‌نامه شماره ۱۰۱/۱۹۳۰۰۰ مورخه ۱۳۸۲/۹/۲۰.
- سوزنچی، حسین (۱۳۸۹)، معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی، تهران: پژوهشکده ارتباطات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۴)، نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی-جهانی‌شده، تهران: وزارت امور خارجه.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۷)، سند نقشه جامع علمی کشور، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- عابدین‌مقانکی، محمدرضا و کمالی‌اردکانی، مسعود (۱۳۸۴)، «پیامدهای برقراری ترجیحات تجاری ترجیحی در غرب آسیا بر بخش خارجی ایران»، پژوهشنامه بازرگانی، دوره دهم، شماره ۳۷، صص ۱۰۹-۱۳۱.
- فاضل، محمدرضا (۱۳۸۵)، اهداف، ساختار و فعالیت‌های مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
- فوزی‌تویسرکانی، یحیی (۱۳۷۷)، سازمان کنفرانس اسلامی (ساختار، عملکرد و روابط آن با ایران)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کاظمی، سیدعلی‌اصغر (۱۳۷۰)، نظریه همگرایی در روابط بین‌الملل، تهران: قومس.
- ماتسیچ، پال دلبیو. و مونسی، باربارا آر. (۱۳۸۱)، عوامل موفقیت همکاری، ترجمه مریم نظری، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- ملک‌زاده، رضا (۱۳۸۱)، «نقش همکاری‌های علمی بین‌المللی در توسعه علمی ایران»، پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۸، شماره ۲۵، صص ۶۳-۷۸.
- ممدوحی، فرزاد (۱۳۷۵)، آشنایی سازمان کنفرانس اسلامی، تهران: وزارت امور خارجه.
- مهدوی، ابوالقاسم و مجد رضایی، حورا (۱۳۸۸)، «بررسی تأثیر یکپارچه‌سازی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب»، پژوهش‌نامه بازرگانی، دوره سیزدهم، شماره ۵۲، صص ۱۲۵-۱۶۲.
- نوروزی، علیرضا و ولایتی، خالد (۱۳۸۸)، همکاری علمی پژوهشی، تهران: چاپار.
- نوروزیان، مهدی (۱۳۸۴)، «کمیته دایمی همکاری‌های علمی و فن‌آوری سازمان کنفرانس اسلامی کامستک (COMSTEC)»، رهیافت، شماره ۳۵، صص ۳۴-۳۷.
- ولایتی، خالد و نورزی، علیرضا (۱۳۸۷)، «بررسی میزان همکاری‌های علمی ایران و کشورهای هم‌جوار در تألیف مشترک از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۷»، سیاست علم و فناوری، دوره اول، شماره ۴، صص ۷۳-۸۲.